

تاریخ خلفا Geschichte der Chalifen، تألیف Gustav Weil محقق آلمانی، در پنج جلد و نزدیک به ۳,۰۰۰ صفحه، چاپ مانهایم، ۱۸۴۷-۱۸۶۲

این اثر عظیم، مکمل کتاب «محمد پیامبر اسلام، زندگی و آیین او» است که چهار سال پیش از آغاز انتشار این مجموعه توسط همین مؤلف در اشتوتگارت منتشر شده بود و سلسله تحقیقات و انتشارات «اسلامی» در خاورشناسی اروپا عملاً با انتشار آن شروع شد. کتاب تاریخ خلفای «ویل» که در تدوین آن حداکثر منابع جهان مسلمان همراه با مدارک و اسناد تاریخی جهان غرب (بیزانسی، ارمنی، سریانی و غیره) مورد مراجعه مؤلف قرار گرفته اند، از نظر ارزش تحقیقی، با وجود گذشت یک قرن و نیم بر آن، هنوز هم بهترین اثر تحقیقی است که در جهان غرب در این زمینه منتشر شده است. چاپ این اثر در طول پانزده سال انجام گرفته است.

تاریخ اعراب Geschichte der Araber، تألیف Gustav Flügel محقق آلمانی، لایپتسیگ، ۱۸۶۷.

این کتاب که یکربع قرن پس از چاپ «کشف الآیات» معروف فلوگل منشتر شد، در واقع مکملی بر اثر قبلی او بود که موفقیت فراوانی بهمراه آورده بود. «تاریخ اعراب» فلوگل تنها یکی از سلسله کتابهای تحقیقی متعددی بود که در این سالها تب «اسلام شناسی» در اروپای نیمه دوم قرن نوزدهم، بویژه در آلمان انتشار آنها را باعث شده بود.

گاهنامه های دوران اولیه خلافت Annals of the early Caliphate  
و: اعتلاء، انحطاط و سقوط خلافت The Caliphate : its Prise, Decline and Fall  
تألیف Sir William Muir محقق انگلیسی، چاپ لندن، به ترتیب ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶

در این هر دو کتاب، نویسندگان «زندگانی محمد» تاریخ دوران خلافت بعد از محمد را (که از دیدگاه او سازمانی خودساخته

بود و هیچ پشتوانه ای در قرآن یا در رهنمودی از جانب خود پیامبر نداشت) برحسب سالهای هجری و بصورت سال به سال نقل کرده و آنرا با ارزیابی جامعی در باره علل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی انحطاط و سقوط آن پایان رسانیده است.

تمدن اعراب *La Civilisation des Arabes*، تألیف Gustave Le Bon محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۸۸۴.

این اثر از یکصد سال پیش تاکنون از معروفترین آثار نویسندگان اسلام شناس غربی در جهان اسلام بوده است، هر چند که عملاً بیش از آنکه به اسلام مربوط باشد به اعراب و جهان عرب مربوط میشود. علت این توجه طبعاً نظر بسیار مساعدی است که دانشمند فرانسوی در نگارش آن در ارتباط با دنیای عرب و تمدن و فرهنگ غنی آن ابراز داشته است، با شرکت در این خطای رایج که هر کتابی را که در این جهان اسلام به زبان عربی نوشته شده باشد از نویسنده ای عربی بدانند و به حساب فرهنگ عرب بگذارند، کاری که در این کتاب در مورد کسانی چون خوارزمسی و ابن سینا و رازی و مجوسی و طبری و بسیاری دیگر شده است. واقعیت دیگری از این اثر، که این بار از طرف مترجمان خوانندگان مسلمان آن نادیده گرفته شده، این است که اگر مؤلف آن برای دانش و هنر و معماری عرب ستایش بسیار دارد، در مورد مذهب آنان و بخصوص در مورد قرآن چنین ستایشی را ندارد، بطوریکه حتی آنرا مجموعه ای ناهماهنگ و غالباً سطحی و گاه «ابتذال‌هایی کودکانه از نوع مطالب مساوراء الطبیعه همه مذاهب سامی» می‌شمارد و از این حیث مطلقاً قابل مقایسه با «کتابهای مذهبی عمیق هندوان و فلسفه والای آنان» نمیداند.

کتاب تمدن اعراب گوستاو لوبون، که محصول چندین سال سفر نویسنده آن به تقریباً همه جهان مسلمان بسود، با عکسهای بسیار جالبی که خود وی در نخستین سالهای پیدایش صنعت عکاسی از آثار بدیع هنری کشورهای اسلامی، بخصوص مسجدهای آنها گرفته بود و بصورت زیبایی در چاپ اصلی کتاب قطور او منتشر شد یکی از

موفق ترین کتابهای اروپایی مربوط به جهان اسلام شناخته شده است. تذکر این نکته بيمورد نيست كه گوستاو لوبون در ايسن كتاب بهمان اندازه كه ستايشگر تمدن از ميان رفته عرب است، با تركان عثماني كه در زمان او پرچمدار جهان اسلام بودند نظر نامساعد دارد و آنرا جز جنگجوياني ويرانگر تمدن و فرهنگ نميداند كه به ناروا نام خلافت اسلامي بر حكومت خود نهاده اند.

### دولت عرب و سقوط آن Das arabische Reich und sein Sturz

تأليف Julius Wellhausen محقق آلماني، چاپ گوتینگن، ۱۹۰۲  
اين اثر ولهاوزن، مانند چند اثر تحقيقي ديگر او كه قبلاً از آنها ياد شد، از بهترين پژوهشهاي مربوط به تاريخ امپراتوري اسلامي عرب و علل انحطاط و سقوط آنها شناخته شده است، هر چند كه عملاً تنها دوران خلافت اموي را شامل ميشود. كتاب گذشته از مقدمه مبسوط و مهمي از ولهاوزن، به نه فصل مختلف تقسيم ميشود كه عناوين آنها بترتيب: علي و نخستين جنگ داخلي در اسلام، آل سفيان و دومين جنگ داخلي، نخستين خلفاي مرواني، عمر دوم و موالي، مرواني هاي دوران متاخر، مروان و جنگ داخلي سوم، قبائل عرب خراسان، و سقوط سلطنت عرب است. ترجمه انگليسي اين كتاب با عنوان The Arab Kingdom and its fall در سال ۱۹۲۷ در كلكته بچاپ رسيده است.

### تاريخ اعراب Histoire des Arabes، تأليف Clément Huart

محقق فرانسوي، در دو جلد، پاریس، ۱۹۱۲.  
بهترين اثر اسلام شناس و ايران شناس برجسته آغاز قرن بيستم فرانسه است. كه از همان زمان انتشار بصورت يك كتاب كلاسيك اين رشته درآمده و به زبانهاي متعدد ديگر اروپايي نيز ترجمه شده است. «تاريخ اعراب» كلمان هوار بخصوص از نظر ارزيايي هاي انتقادي خود كه در بسياري از تاريخ هاي مشابه آن ديده نميشود اهميت دارد. از همين مؤلف اثر تحقيقي جالب ديگري بنام La Perse antique منتشر شده است.

گأهواره اسلام: عربستان پيش از هجرت Le berceau de  
l'Islam : l'Arabie avant l'Hégire، و عربستان غربی در دوران قبل از  
هجرت H. Lammens، تألیف L'Arabie occidentale avant l'Hégire،  
محقق روحانی بلژیکی، بترتیب چاپ رم، ۱۹۱۴ و بیروت، ۱۹۲۸.

هانری لامنس که در جهان خاورشناسی از بهترین متخصصان  
عربستان ماقبل اسلامی و وضع اجتماعی و قبیله ای و مذهبی آن  
شناخته شده است، در این هر دو اثر خود شرایطی را که زمینه ساز  
پیدایش اسلام در حجاز شد در ارتباط با مختصات درونی جزیره  
العرب از یکسو و تحولات سیاسی و اقتصادی سرزمینهای بیرون از  
عربستان بویژه ایران و بیزانس بصورتی مستند مورد ارزیابی قرار  
داده است، ولی نتیجه گیریهایی که در بسیاری از جهات میکند با  
برداشتهای سنتی مورخان اسلامی هماهنگ نیست، منجمله بر این  
عقیده است که اسلام در مواردی متعدد نه تنها شرایط بهتری را  
جانشین شرایط قبلی نکرده، بلکه بعکس شرایط ارتجاعی تری را  
بجای آنها آورده است.

خلافت The Caliphate، تألیف T.W. Arnold، محقق انگلیسی،  
چاپ اکسفرد، ۱۹۲۴

این اثر معروف پرفسور آرنولد، استاد عربی دانشکده مطالعات  
شرقی دانشگاه لندن در واقع یک تاریخ خلافت نیست، بلکه یک  
ارزیابی جامع از نهاد خلافت و موضع آن در اسلام و در تاریخ جهان  
مسلمان است. کتاب به ۱۴ فصل و ۵ ضمیمه تقسیم میشود که از  
جمله آنها فصول زیر است: خلافت و امپراتوری مقدس رم و ژرمنی،  
اساس خلافت و عنوان آن، برداشتهای فقها و قضات از نهاد خلافت،  
خلافت عباسی در بغداد و در قاهره، تصدی عنوان خلافت از جانب  
شاهزادگان مسلمان، برداشتهای فلسفی و اخلاقی نویسندگان از نهاد  
خلافت، خلافت عثمانی، پادشاهان مغول (گورکانی) هند، عقاید شیعه  
و خوارج در باره خلافت، پایان عصر خلافت.

درسهایی در باره تاریخ اعراب Lectures on Arabian History،  
مجموعه سخنرانیهای دانشگاهی D.S. Margoliouth، محقق انگلیسی،  
کلکته، ۱۹۳۰.

دیوید مرگولیوٹ چنانکه قبلاً گفته شد، استاد عربی دانشگاه  
اکسفرڈ و مدتی نیز رئیس انجمن سلطنتی آسیائی انگلستان بسود. در  
طول چند سال به سمت استاد ممتاز دانشگاه کلکته سلسله  
کنفرانسهایی در باره تاریخ و تمدن اعراب در این دانشگاه ایراد کرد که  
مجموعه آنها در سال ۱۹۳۰ از طرف خود این دانشگاه بچاپ رسید.  
این مجموعه، با آنکه از بعضی جهات جنبه تند و انتقادی دارد، از  
نظر تحقیقی از کارهای ارزشمند محققان اروپایی در باره بررسیهای  
مربوط به اعراب و اسلام است.

تاریخ اعراب از قدیمترین ادوار تا به امروز History of the  
Arabs, from the earliest times to the Present، تألیف P.K. Hitti، محقق  
لبنانی تبار امریکایی، لندن و نیویورک، ۱۹۳۷.

کتاب «تاریخ اعراب» فیلیپ حیتی از همان زمان انتشار  
خود جنبه یک کتاب کلاسیک را در رشته خود یافته است، چنانکه  
در حال حاضر نیز، بسا گذشت بیش از شصت سال، همچنان  
علاقمندان غربی برای آشنایی با تاریخ کلی جهان اسلام بدین کتاب  
(که به بیش از ده زبان مختلف منجمله فارسی ترجمه شده است)  
مراجعه میکنند، و همین توجه عمومی، چاپهای متعددی را از این  
اثر در طول دهه های گذشته و در حال حاضر باعث شده است.  
«تاریخ اعراب» حیتی یک کتاب هشتصد صفحه ای است که در آن  
تقریباً همه آگاهی های مربوط به اعراب و اسلام از دوران کهن تا  
بامروز و در سطح جهانی در فصول متعددی به شیوه ای روان و  
مطلوب و در عین حال دقیق و مستند، و بخصوص با برداشتهای  
انتقادی جالب ارائه شده اند. از زمره تقسیم بندیهای مربوط بدانها  
از فصول زیر میتوان نام برد: عربها و مسلمانان، اعراب بسدوی،  
عربستان در آستانه اسلام، محمد فرستاده خدا، کتاب و ایمان،

اسلام در حرکت، داستان خلافت، فتح اسپانیا، بغداد و شکوه آن، زندگی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، زندگی روزانه، علوم و ادبیات و هنرها، قرطبه گوهر جهان، سهم دانشمندان جهان مسلمان در تمدن عرب، رویارویی صلیب و هلال، جنگهای صلیبی، آخرین سلسله، دورنمای آینده.

عربها در تاریخ *The Arabs in History*، تألیف Bernard Lewis، محقق انگلیسی، لندن، ۱۹۵۰.

این اثر برنارد لیوئیس، استاد پیشین تاریخ خاور نزدیک و میانه دانشگاه لندن و استاد کنونی دانشگاههای امریکایی، تا حدودی برداشت دیگری از همان مطالبی است که در تاریخ عربهای فیلیپ حتی نیز مورد بررسی قرار گرفته اند، با این تفاوت که جنبه تحلیلی و انتقادی آن در ارتباط با وقایع و با تحولات تاریخ اسلام بارزتر است، زیرا رشته تخصصی نویسنده بیش از تاریخ نویسی بررسیهای تاریخی بخصوص در زمینه روابط متقابل جهان اسلام و جهان غرب است. در این راستا از وی آثار متعددی دیگری بچاپ رسیده است که از جمله آنها میتوان از «اسلام و غرب»، «اسلام در تاریخ»، «قومیت و بردگی در خاورمیانه»، «اسلام و دموکراسی»، «تاریخ نویسان جهان اسلام»، «یهودیان اسلام» نام برد. ارزیابی های این مؤلف، با آشنایی فراوانی که با تاریخ اسلام و مسائل آن دارد، عادتاً بسیار محققانه است، هر چند جانبگیریهای او را در مواردی نادیده نمیتوان گرفت.

کتاب «عربها در تاریخ» به ده فصل با عناوین زیر تقسیم شده است: عربستان پیش از اسلام، محمد و ظهور اسلام، عصر فتوحات، امپراتوری عرب، انقلاب اسلام، عربها در اروپا، تمدن اسلامی، انحطاط جهان عرب، نقش دنیای غرب در جهان اسلام. مقدمه مؤلف بر این فصول شامل ارزیابی جالبی از تاریخ هزار و چهار صد ساله اسلام و دنیای «عربی - اسلامی» است.

عصر خلافت. اعتلا و سقوط حکومت جهانی اسلامی

Die Chalifenzeit Andtehung und Zerfall des islamischen Weltreiches

تألیف Berthold Spuler محقق آلمانی، چاپ لایدن، ۱۹۵۲

این اثر تحقیقی پژوهشگر برجسته قرن گذشته آلمان بخشی از کتاب مفصلتر همین محقق بنام *Geschichte der islamischen Länder* (تاریخ سرزمینهای اسلامی) است که از سال ۱۹۵۲ به بعد منتشر شد و جلد مهمی از آن با عنوان ایران در سده های اول اسلامی *Iran in früh-islamischer Zeit* در همین سال در ویسبادن بچاپ رسید. اثر اشپولر مکمل «تاریخ سرزمینهای اسلامی» کارل بروکلن است که در قرن نوزدهم منتشر شده بود، و هر دو از بهترین کارهای تحقیقی دانشمندان آلمانی در این زمینه بشمار میروند. کتاب «ایران در قرون اولیه اسلامی» در سالهای پیش از انقلاب به فارسی ترجمه و توسط بنگاه نشر کتاب منتشر شده است.

اعراب، اسلام و خلافت عرب در آغاز قرون وسطی Arabs, Islam

E.A. Belyaev and Arab Caliphate in the early Middle Ages

محقق روسی، چاپ لندن و نیویورک، ۱۹۶۹

یکی از بهترین کتاب هایی است که در دوران اتحاد شوروی در ارتباط با اسلام و اعراب در آن کشور تألیف شده و چاپ ترجمه انگلیسی آن در اروپا و آمریکا، بخلاف آنچه در مورد آثار ترجمه نشده بسیاری دیگر از دانشمندان خاورشناس این دوران از تاریخ شوروی میتوان گفت، به خوانندگان غربی امکان آشنایی با بررسیهای محققانه پژوهشگران مارکسیست را در این زمینه داده است. همه این بررسی ها طبعاً بر مبنای روش دیالکتیک مادی رژیم وقت صورت گرفته اند که مسلماً از جهات بسیار با روش ارزیابیهای محققان غربی هماهنگی ندارند، ولی در همه آنها جنبه تحقیقی گسترده ای را میتوان یافت که نظیر آن را در بسیاری از آثار مشابه اروپایی و امریکایی آنها باسانی نمیتوان یافت. کتاب بلیایف با عنوان اصلی *Araby, islam, i arabskii Khalifat v rannee Srednevekov'e* که اصل آن در سال ۱۹۶۴ توسط

انستیتوی ملل آسیائی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو به چاپ رسیده، گذشته از مقدمه ای مفصل و محققانه، شامل پنج فصل با عناوین: عربستان و اعراب در قرون پنجم و ششم میلادی، ریشه های اسلام، ایجاد نهاد خلافت، خلافت اموی، خلافت بغداد از قرن ششم تا قرن دهم میلادی، و لغتنامه های جامعی در مورد اصطلاحات عربی و شرقی، نامهای خاص و اسامی جغرافیایی و نقشه های جغرافیائی مربوط به فتوحات اسلامی است.

خلیفه و شاهنشاه: آل بویه (دیلیمان) در عراق Chalif und  
Grosskönig : die Buyiden im Iraq تألیف H. Busse محقق آلمانی، چاپ  
بیروت، ۱۹۶۹

پژوهشگر آلمانی در این اثر تحقیقی خود دوران حکومت دیلیمان را در بغداد که مقارن با سالهای خلافت چهار خلیفه عباسی (المستکفی بالله، المطیع لله، الطائع لامراله، القادریالسه) و بخشی از دوران خلافت القائم بامراله بود و در آن برای امرای دیلمی (آل بویه) با عنوان شاهنشاه خطبه خوانده میشد، به تفصیل مورد بررسی قرار داده و بموازات ارزیابی های مربوط به روابط متقابل دیلیمان شیعی و خلافت سنی جامعه اسلامی قرن پنجم هجری، تلاشهای فراوان دیلیمان را در امور عمرانی و فرهنگی و ایجاد کتابخانه ها و بیمارستانها (با نام پارسی مارستان) و آموزشگاهها در بغداد و تمامی عراق تشریح کرده است.

برداشتهایی در باره ماهیت و انگیزه های جهانگشایی عرب  
Observations sur la nature et les causes de la conquête arabe نوشته  
G.H. Bousquet محقق فرانسوی، چاپ پاریس. از همین محقق بررسی  
دیگری با عنوان Quelques remarques critiques et sociologiques sur la  
conquête arabe et les théories émises à ce sujet (تذکراتی انتقادی و  
اجتماعی در مورد جهانگشایی عرب و فرضیه هایی که در این باره  
ارائه شده اند) در یادنامه Studi orientalistici in onore di Giorgio Levi  
della Vida (مطالعات خاورشناسی، به یادبود جورجو دلاویدا)، در شهر



رم به چاپ رسیده است. محمد و فتوحات عرب Maometto e le conquiste arabe، تألیف Francesco Gabrieli محقق ایتالیایی، چاپ رم، ۱۹۶۵. ترجمه فرانسوی این کتاب با عنوان Mahomet et les grandes conquêtes arabes در سال ۱۹۶۷ در پاریس و ترجمه انگلیسی آن با عنوان Muhammad and the Conquests of Islam در سال ۱۹۶۸ در نیویورک و تورونتو منتشر شده است. جهانگشایی اسلامی در سده های هفتم تا یازدهم L'expansion musulmane, VIIe-XIe siècles، تألیف R. Mantran محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۶۹.

سه اثر تحقیقی جالب که در دو دهه ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته در اروپا بچاپ رسیده اند، و در آنها دیدگاههای مختلف در باره عوامل زیربنایی فتوحات اعراب و جنبه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و مذهبی این فتوحات مورد ارائه و ارزیابی قرار گرفته اند.

عربها در جهان باستان Die Araber in der alten Welt، تألیف مشترک Franz Altheim و Ruth Stiehl محققان آلمانی، در شش جلد، برلین ۱۹۶۴-۱۹۶۹.

بعد از «سالنامه های اسلام» لئونه کائتانی ایتالیایی، این اثر عظیم دو محقق آلمانی جامعترین اثر تحقیقی است که در اروپای قرن بیستم در ارتباط با اسلام و اعراب منتشر شده است. کتاب شش جلدی و نزدیک به ۵,۰۰۰ صفحه ای عربها در جهان باستان نمونه جامعی از آثار علمی خاورشناسی آلمان و ویژگیهای تحقیقی و استنادی آن است که در آن گاه فراوانی مبالغه آمیز حواشی خواندن متن اصلی کتاب را دشوار میکند.

عربها Les Arabes، تألیف M. Bergé، محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۷۸.

مارک برژه، استاد کلژدوفرانس و کارشناس پرسابقه تاریخ اسلامی، در این اثر قطور که عنوان دوم آن «تاریخ و تمدن اعراب و جهان مسلمان از آغاز تا سقوط سلطنت غرناطه» است، تاریخ «عربی - اسلامی» قوم عرب را بخصوص از دیدگاه اجتماعی و هنری و میراث

فرهنگی که تمدن اسلامی بر جای گذاشته است مورد ارزیابی های غالباً تازه ای قرار داده است و میکوشد تا علل واقعی انحطاط جهان عرب را تا آنجا که ممکن بداند ارائه کند تا زمینه را برای درک بهتر فصل پایانی کتاب بنام «سرنوشت غرب» آماده کرده باشد.

عربها Les Arabes، تألیف Maxime Rodinson، محقق فرانسوی، پاریس، ۱۹۷۹.

مکملی بر کتاب معروف دیگر این محقق بنام «محمد» است که قبلاً از آن سخن رفت، و در آن «عربیت» مورد ادعای جهان امروز عرب بر مبنای داده های تاریخی و فرهنگی مورد تحلیل اصولی قرار گرفته است. از نظر رودنسون، دو عامل زبان عربی و مذهب اسلام غالباً کافی نبوده است تا میان همه اقوامی که در مقام اجزاء امپراتوری عرب گذشته خود را کنار گذاشتند و «عرب» شدند همبستگی واقعی اجتماعی و فرهنگی نیز ایجاد کنند، و واقعیت های اجدادی همچنان در پس پرده عربیت در نزد هر یک از اجزاء کنونی این جهان ظاهراً یکپارچه بصورت عوامل تکروری باقی مانده اند.

نخستین فتوحات اسلامی The early Islamic Conquests، تألیف F. McGrau Donner محقق امریکایی، چاپ نیوجرسی، ۱۹۸۱.

از تازه ترین ارزیابی های مربوط به کشورگشایی اعراب در سده اول هجری، با توجه بسه عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و بخصوص قومی این کشورگشایی است. مؤلف بخصوص شرایط زمانی و مکانی این فتوحات را عامل اساسی پیروزیهایی میداند که بعدها نوعی معجزه ناشی از شور و ایمان مذهبی به حساب آمده اند.

زندگانی محمد. شکل گیری دنیای کلاسیک اسلام The Life of Muhammad. The Formation of the Classical Islamic World  
Lawrence I. Conrad محقق امریکایی، ۱۹۹۸.

\* \* \*

بغیر از کتابهایی که نام برده شدند میباید در اینجا به انبوه  
دائرة المعارفها و فرهنگها و تاریخ های دانشگاهی شناخته شده ای نیز  
اشاره کنم که در قرن گذشته، با همکاری های دسته جمعی محققان و  
پژوهشگران برجسته و متعددی در کشورهای مختلف جهان غسرب به  
زبانهای مهم، ولی عمدتاً به انگلیسی و فرانسه، منتشر شده اند، و  
میتوان آنها را از گنجینه های فرهنگی پایان هزاره دوم دانست. برای  
تکمیل فهرستی که نقل کردم، در اینجا عناوین بخشی از ارزنده ترین  
این منابع را نیز نقل میکنم، با این هدف که کار مراجعه به مراجع  
درجه اول این اطلاعات را برای خوانندگان علاقمند خویش آسانتر کرده  
باشم:

دائرة المعارف اسلام Encyclopédie de l'Islam در زبان فرانسه و  
Encyclopaedia of Islam در زبان انگلیسی، در چهار جلد، چاپ لیدن  
(هلند)، سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸. چاپ تازه از سال ۱۹۵۴ به بعد،  
در لیدن. از این چاپ تاکنون ۱۰ جلد منتشر شده و بقیه آن در جریان  
انتشار است.

دائرة المعارف کوتاه شده اسلام Shorter Encyclopaedia of  
Islam، زیر نظر H.A.R. Gibb، چاپ لایدن، ۱۹۵۳ و ۱۹۶۹.

دائرة المعارف خلاصه شده اسلامی The Concise  
Encyclopaedia of Islam، توسط Cyril Glassé، چاپ سن فرانسیسکو،  
۱۹۸۹.

فرهنگنامه مذهب و تمدن اسلام Dictionnaire de l'Islam,  
religion et civilisation، کار دسته جمعی ۱۱۰ پژوهشگر، نشریه  
مخصوص Encyclopaedia Universalis، چاپ پاریس، ۱۹۹۷.

تاریخ اسلام دانشگاه کمبریج The Cambridge History of Islam،  
در دو جلد، ۱۹۷۱ (جلد اول: ظهور اسلام و استیلای اعراب، جلد دوم،  
دوران چادرنشینان the steppe peoples در تاریخ اسلام).

میراث اسلام The Legacy of Islam، اثر دسته جمعی، زیر نظر  
Sir T.W. Arnold و A. Guillaume، چاپ اکسفرد، ۱۹۳۱.

میراث اسلام The Legacy of Islam، اثر دسته جمعی، زیر نظر

محقق انگلیسی C.E. Bosworth و محقق آلمانی J. Schacht، چاپ  
اکسفرد، ۱۹۷۴.

بنمایه های تمدن اسلامی Themes of Islamic Civilization، اثر  
دسته جمعی، زیر نظر محقق امریکایی J.A. Williams، برکلی، ۱۹۷۱.

ماجرای اسلام The Venture of Islam، زیر نظر  
M.G.C. Hodgson محقق امریکایی، در سه جلد، شیکاگو، ۱۹۷۴.

بررسیهای اسلامی Etudes d'islamologie، اثر دسته جمعی، زیر  
نظر J. Schacht و R. Brunschwig در دو جلد، پاریس، ۱۹۵۳.

# اسلام و قرآن

در دوران زندگی محمد

(۱۳ پیش از هجرت - ۱۰ هجری)

جبرئیل<sup>۱</sup> بصورت وحی به محمد ابلاغ شده اند، و این تضاد میان نزول یکجای قرآن در لیلة القدر و ابلاغ آیه به آیه آن به پیامبر، در تاریخ مباحثات اسلامی مشکلی بوده که با وجود همه پیچ و خم های فقاهتی و کلامی پاسخ واقعاً قانع کننده ای بدان داده نشده است.

در باره نحوه این ابلاغ نیز در طول زمان بحثهای فراوانی بین صاحب نظران اسلامی صورت گرفته است که نمونه ای از آنها را از قول معتبرترین آنان چنین میتوان یافت:

«قول اول اینکه جبرئیل قرآن را از لوح محفوظ از بر کرده و سپس آنرا نازل ساخته است و حروف قرآن در لوح محفوظ هر یک به اندازه کوه قاف است و زیر هر کدام از آنها معنی هایی است که جز خدا کسی نداند. قول دیگر اینکه جبرئیل علیه السلام فقط معنی را فرو فرستاده و پیغمبر آن معانی را آموخته و آنها را به لفظ عربی تعبیر کرده است. قول سوم اینکه معانی به جبرئیل القاء شده اند و خود او آنها را در قالب لغت عربی آورده است آنسان که مردم آسمانها آنها را به لفظ عربی خوانند، و سپس جبرئیل همانها را فرو فرستاده است. و قسم دیگر این است که خدای تعالی جبرئیل را میفرماید تا نامه او را برای پیغمبر بخواند و جبرئیل آن نامه را با همان عبارات و کلمات بدون تغییر و تبدیل برای پیغمبر میآورد... و به ظاهر جبرئیل علیه السلام در صورت مردی میآمده و با پیغمبر سخن میگفته است. و برخی نیز گویند که خدای تعالی سخنان خود را به جبرئیل الهام کرد و قرائت آنها به وی آموخت و سپس جبرئیل آنها را به زمین که جایی پست است فرود آورد»<sup>۲</sup>.

بر اساس آنچه از خود قرآن برمیآید، پیش از پیامبر اسلام بخشهایی از این کتاب بصورت کتابهای آسمانی<sup>۳</sup> به موسی<sup>۴</sup> و به داود<sup>۵</sup>

۱ - سوره بقره، آیه های ۹۱ و ۹۷.

۲ - لغتنامه دهخدا، مقاله قرآن. نقل از کتابهای مختلف فقه و حدیث شیعه.

۳ - نساء، ۱۶۱.

۴ - سجده، ۲۳.

۵ - نساء، ۱۶۳.

و به عیسی<sup>۱</sup> فرستاده شده بوده اند. معتقدات اسلامی از همان آغاز بر این بوده که بجز این سه کتاب، یکصد کتاب دیگر بصورت بخشهای مختلفی از ام الکتاب برای انبیای مرسل دیگر به صورت صحف (پنجاه صحیفه بر شیث، سی صحیفه بر ادریس، بیست صحیفه بر ابراهیم) فرستاده شده بودند. در برخی احادیث ده صحیفه برای آدم و چهل صحیفه برای شیث منظور شده است.<sup>۲</sup>

از دیدگاه قرآن محتوای همه ایسن کتابهای آسمانی همگون بوده اند، ولی یهودیان در برخی موارد بخشهایی از تورات را که برایشان فرستاده شده بود تحریف کرده اند<sup>۳</sup>، بخشهایی دیگر را پنهان داشته اند<sup>۴</sup> و بخشهایی را نیز از یاد برده اند<sup>۵</sup> و بعد از آنها، مسیحیان نیز با انجیل چنین کرده اند<sup>۶</sup>.

گزینش محمد به پیامبری برای این بوده که وی دین اولین یعنی دین ابراهیم و موسی و داود و عیسی را بصورت کامل به پیروان خود ابلاغ کند. بموجب آنچه در خود قرآن مورد تأکید قرار گرفته، محمد نمیتوانسته است شخصاً آیات وحی شده را بصورت نوشته درآورد، زیرا که توانایی خواندن و نوشتن نداشته است<sup>۷</sup>. بدین جهت این آیات توسط نزدیکان او که بعداً کاتبان وحی نامیده شدند بر روی اشیاء مختلفی از قبیل پاره های چرم، شاخه های خرما، استخوان های شانه شتر یا گوسفند و سنگهای پهن و نازک نوشته میشد تا بعداً بصورت بهتری دوباره ثبت شود. بنا بر حدیثی از «صحیح» بخاری کاتبان اصلی قرآن علی، عثمان، زیدبن ثابت و علی بن کعب و چهار تن کسانی که قرآن

۱ - مائده، ۴۶.

۲ - هزار و یک سخن، تألیف آیت الله علی مشکینی، ترجمه آیت الله احمد جنتی، قم، ۱۳۷۷.

۳ - نساء، ۴۸؛ مائده، ۱۶ و ۴۵.

۴ - انعام، ۹۱.

۵ - مائده، ۱۶.

۶ - بقره، ۱۴۶؛ آل عمران، ۱۸۱ و ۱۸۷؛ نساء، ۶ و ۶۶.

۷ - عنکبوت، ۴۸.

را تماماً از حفظ داشتند و قراء قرآن به شمار می‌آمدند علی و عبدالله بن مسعود و معاذبن جبل و ابی بن کعب بوده اند. در روایات دیگری عثمان و حذیفه و زیدبن ثابت و ابودردا و ابوموسی اشعری نیز جزو این قراء دانسته شده اند.

زبان قرآن، بنا به تحقیق زبان شناسان زبان محاوره ای عامه اعراب شمالی آنزمان است، که کلماتی از دیگر زبانهای سامی (عبری، آرامی، سریانی، حبشی قدیم) با آن درآمیخته اند.<sup>۱</sup> شمار این کلمات، بصورت کلمات عام یا اسامی خاص ۳۱۹ کلمه برآورده شده که در جزو آنها کلماتی از اصل فارسی چون فردوس و از اصل یونانی چون ابلیس میتوان یافت.<sup>۲</sup>

بطوریکه روایت شده، صحابی نزدیک پیامبر، حذیفه بن یمان، که در زمان حمله اعراب به ایران همدان و ری بدست او تصرف شد و مدتی نیز در دوران خلافت عمر حکومت مدائن را داشت، در سفر جنگی خود به ارمنستان متوجه شد که در مورد قرائت آیات مختلف قرآن میان نفرات زیر فرمان او اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. بدین جهت به عثمان خلیفه وقت توصیه کرد که در تهیه متن واحدی از قرآن اقدام کند تا کار مسلمانان در این مورد به مشکلی که یهود و نصاری در ارتباط با کتابهای مقدس خود با آن مواجهند دچار نشود، و عثمان این توصیه را پذیرفت و دستور داد که همه کسانی که مدارکی در این باره دارند آنها را به مرکز خلافت بیاورند تا براساس این مدارک به تدوین متن رسمی قرآن اقدام شود، و سرپرستی این کار را بسه زیدبن

---

۱ - به بررسی Karl Vollers در کتاب Volkssprache und Umgangssprache im Alten Arabien (چاپ استراسبورگ، ۱۹۰۶) زبان قرآن زبان محاوره ای اعراب شمالی دوران محمد است، ولی نلذکه بدین دلیل که در مدارک زبان شناسی دلیل مسلمی برای اثبات این نظر بدست نیامده آنرا تأیید نمیکنند. خود نلذکه میپذیرد که در قرآن کلماتی مأخوذ از دیگر زبانهای سامی از قبیل عبری و آرامی و سریانی و حبشی باستانی، غالباً بصورت معرب شده آنها بکار رفته اند. سیوطی در «جامع الصغیر» خود شمار واژه های غیرعربی قرآن را ۱۰۷ و آرتور جفری ایسن شماره را ۲۷۵ دانسته اند. به توضیح جفری خود واژه قرآن از زبان سریانی گرفته شده است.

۲ - Geschichte der Qur'an : Th. Nöldeke، ص ۴۰ و ۴۱.



ثابت محول کرد که در سالهای آخر زندگانی محمد کاتب مخصوص او بود و در زمان ابوبکر و عمر نیز به دستور آنها به مأموریت مشابیهی گماشته شده بود، منتها فقط برای اینکه متن تهیه شده او مورد استفاده خود خلیفه و نزدیکانش قرار گیرد.

تقریباً همه محققان در این باره که تدوین متن نهایی قرآن در زمان خلافت عثمان و با نظارت او انجام گرفت همداستانند<sup>۱</sup>، ولی این نیز مسلم است که متن اعلام شده قرآن عثمان با همه پشتوانه تأیید سازمان خلافت مورد قبول عمومی قرار نگرفت و تا مدتها بعد قاریانی مختلف به قرائت قرآن براساس آنچه شفاهاً آموخته بودند و با قرآن رسمی عثمان تفاوت هایی داشت ادامه دادند. متون تدوین شده دیگری نیز وجود داشت که در مراکزی مختلف بعنوان قرآن واقعی پذیرفته شده بود، مانند قرآن ابن مسعود در کوفه، قرآن ابی بن کعب در دمشق و قرآن ابوموسی در بصره<sup>۲</sup>. قرآن هایی هم وجود داشتند که براساس فتوای انس بن مالک مؤسس فرقه مالکی (یکی از چهار فرقه اصلی جهان تسنن) در آنها کلمات نامأنوس با کلماتی آشناتر عوض شده بود، زیرا عقیده وی بر این بود که اساس کار روح و مفهوم یک آیه است و نه ترکیب ظاهری آن، و از همینجا بود که منطق قرائت های مختلف از قرآن مطرح شد. در قرن چهارم هجری ابن مجاهد، یکی از فقهای بزرگ بغداد، به اتکاء حدیثی از پیامبر نظر داد که قرآن در هفت قرائت وحی شده است و هرچه جز آن باشد مخدوش است، و این نظر مورد تأیید دستگاه خلافت نیز قرار گرفت. بدین ترتیب هفت قرائت مختلف از قرآن که هرکدام از آنها به یکی از فقهای بزرگ قرون اول و دوم هجری در شهرهای مهم جهان اسلام ارتباط داده میشد در سال ۳۲۲ هجری توسط خلیفه المقتدر به رسمیت شناخته شد. بعد از آن در دو مرحله متوالی سه و چهار قرائت

۱ - A. Jeffery در Materials for the history of the texts of the Quran، ص ۱۰۷-۱۱۵.

۲ - ابن الاثیر، کامل، ج ۳، ص ۸۶.

دیگر بر آن‌ها اضافه شد، بطوریکه سرانجام شمار قرائت‌های مجاز قرآن به چهارده رسید (که حافظ ما در غزلی که انتساب آن بدو مورد تردید است، مدعی از برداشتن همه آنها است). متن قرائتی بسرگزیده جامع‌الازهر که چاپ مصری رایج قرآن در جهان امروز براساس آن صورت گرفته است، منسوب به فقیهی بنام عاصم بن ابی‌النجد است که در سال ۱۲۷ هجری در کوفه درگذشته است.

با اینکه همه قدرت و اعتبار دستگاه خلافت در این راه به کار افتاد که متن تهیه شده در زیر نظر عثمان متن قطعی و نهایی این کتاب باشد، این تلاش از همان آغاز مورد مخالفت‌هایی از جانب صحابه و یاران نزدیک خود پیامبر قرار گرفت. ابی بن کعب ملقب به سیدالقرآء از قبیله خزرج که پیش از اسلام از علمای یهود بود و بعد از اسلام در شمار کاتبان مخصوص محمد در آمد و در جنگ‌های بدر و احد و خندق همه جا همراه او بود و در دوره عثمان نیز از جمله جمع آوران قرآن بود، در قرآن تدوین شده خودش دو سوره اضافی بنام‌های حفد و خلع داشت که در قرآن عثمان وجود ندارد، و در عوض در آن دو سوره فیل و قریش یک سوره واحد بودند. عبدالله بن مسعود، صحابی دیگر پیامبر که ششمین کسی بود که به اسلام گرویده بود و در سفرهای محمد ندیم و همراه خاص او بود، و هم او بود که در جنگ بدر سر ابوجهل را از تنش جدا کرده بود، و به اتفاق آراء حافظ بزرگ قرآن و از دانایان قدر اول احادیث شمرده میشد<sup>۱</sup>، بنوبه خود اصالت قرآن تدوین شده عثمان را مورد انکار قرار داد و از جمله سوره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ آنرا الحاقی دانست. در «فهرست» ابن‌التدیم نمونه‌هایی از روایات ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود در این زمینه ارائه شده است<sup>۲</sup>. فرقه‌های خوارج بنوبه خود اصالت سوره یوسف را در قرآن منکر بودند<sup>۳</sup>.

«ابن‌المنادی روایت کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس

۱ - A.J. Wensink در مقاله «ابن مسعود»، دائرة المعارف اسلام، جلد دوم.

۲ - الفهرست، چاپ لیدن، ص ۲۶-۲۸.

۳ - شهرستانی در «الملل والنحل»، ص ۹۵.

از رحلت رسول چون مردم را در امر قرآن بر اختلاف و طیره دید سوگند یاد کرد که تا کتاب خدای را فراهم نکنم ردا از دوش ننهم، و سه روز از خانه بیرون نشد و این کار به پایان برد، و آن اولین مصحف است که قرآن در آن جمع شد. و ابن الندیم گوید که این قرآن نزد اهل جعفر (خانواده امام جعفر صادق) بود و من در این زمان نزد ابی یعلی حمزة الحسنی مصحفی به خط علی بن ابیطالب دیدم که اوراقی چند افتاده داشت و ابی یعلی آنرا از بنی حسن (خانواده امام حسن) به ارث برده بود<sup>۱</sup>.

شیعیان بسیاری عقیده داشتند که امویان عمدا آیات حاکی از تعیین علی را به جانشینی پیامبر را از قرآن حذف کرده اند و بخصوص این دستکاری را در مورد ده ها آیه از سوره های حجر و نور قائل بودند. برخی از افراد فرقه معتزله نیز به آیاتی دیگر در قرآن که در آنها به دشمنان پیامبر بطور مستقیم حمله شده است اعتراض داشتند، زیرا چنین آیاتی را در شأن کاملیت خداوند نمیدانستند.

غلاة شیعه<sup>۲</sup> تقریباً به اتفاق قائل به تحریف قرآن و دستکاری در آن به میل عثمان و امویان بودند، من جمله عقیده داشتند که سوره احزاب بجای ۷۳ آیه کنونی درست به اندازه سوره بقره ۲۸۶ آیه داشته است، و سوره نور بجای ۶۴ آیه کنونی ۱۲۰ آیه و سوره حجر بجای ۹۹ آیه کنونی ۱۹۰ آیه<sup>۳</sup>.

به نوشته نولدکه در «تاریخ قرآن»، Garcin de Tassy خاورشناس نامی قرن نوزدهم فرانسه به اتفاق میرزا کاظم بیگ ایرانی برای اولین بار سوره ای از این سور مجعول را در سال ۱۸۴۲ در Journal asiatique

۱ - نقل از لغتنامه دهخدا، مقاله قرآن.

۲ - برای توضیح بیشتر به فصل «کارنامه ۱۴۰۰ ساله روحانیت» مراجعه شود.

۳ - علامه امینی در جلد سوم الغدير تحت عنوان نقد و اصلاح حول الکتب والتالیف المزوره (ص ۷۷-۳۳۸) مطالبی را که در این کتابها (ملل و نحل شهرستانی، الانتصار، ابوالحسین خیاط، الفرق بین الفرق بغدادی، السنه ابن تیمیسه حرانی، البدایة والنهایه ابن کثیر دمشقی) در باره شیعه آمده است، مورد نقد و رد قرار داده است. در تفسیرهای مجمع و ابوالفتوح و صافی در فصل تسلوات قرآن در مورد سوره های ۱۱۳ و ۱۱۴ فواید بسیار نیز ذکر شده است.

فرانسه چاپ کردند. در هندوستان نسخه دیگری از قرآن در سالهای آغاز قرن بیستم بدست آمد که غیر از سوره مجعول، شامل سوره دیگری در هفت آیه است که محقق انگلیسی Claire Tisdall آنرا در مجله The Muslim World در سال ۱۹۱۳ ترجمه و همراه با شرح و توضیح مبسوطی منتشر کرده است.



از همان زمان محمد، مخالفانش مدعی شدند که آیات قرآن توسط کس دیگری بدو آموخته میشود و اشاره آنان در این مورد به چند شخص معین، منجمله به سلمان فارسی بود. بدین جهت آیه ای از خود قرآن بدانان پاسخ گفت: «میدانیم که اینان گویند همانا بشسری است که آموزنده او (محمد) است. بدانان که این تهمت را بتو زنند بگو که زبان آنکه بدو اشاره دارند اعجمی است و حال آنکه این قرآن به زبان رسای عربی آمده است» (نحل، ۱۰۳). در هشت مورد دیگر در قرآن، اختصاصاً بسر جنبه عربی بودن آن تأکید نهاده شده است (یوسف، ۲۰؛ رعد، ۳۷؛ طه، ۱۱۳؛ زمر، ۲۸؛ فصلت، ۳؛ شوری، ۷؛ زخرف، ۳؛ احقاف، ۱۲).

با آنکه در خود قرآن تصریح شده است که: «اگر آدمیان و جنیان جملگی گرد آیند تا مانند این قرآن را بیاورند از عهده آن برنخواهند آمد، ولو آنهم که برخی از آنان در این راه از بعضی دیگر کمک گیرند» (اسراء، ۱۷)، در همان قرون اولیه هجری کسانی چون ابراهیم نظام و عبادبن سلیمان و معتزلیانی چند مدعی شدند که خود آنان یا دیگران میتوانند نظیر قرآن یا حتی بهتر از آنرا بنویسند، و کسانی نیز نمونه های نثرهایی بعقیده آنان فصیح تر از نثر قرآن را نام بردند که از مهمترین آنها ترجمه های عربی ابن مقفع بود. این نیز غالباً گفته شده است که ابوالعلاء معری فیلسوف و شاعر نابینای عرب کتاب «الفصول والغایات» خود را به نیت معارضه ادبی با قرآن نوشت. حتی در زمان پیامبر کعب بن اشرف شاعر یهودی مدینه در حضور خود محمد ادعا کرد که میتواند آیه هایی چون آیه های قرآن و شیواتر از آنها را بیآورد، ولی محمد بخاطر اینکه نقاری بسا یهودیان

مدینه پیدا نکنند خاموش ماند، و کعب از این امر استفاده کرد و به تحریکات خود ادامه داد. بعد از جنگ بدر به مکه رفت و با اشعار خود قریش را به جنگ تازه ای با مسلمانان مدینه دعوت کرد، ولی این بار محمد دستور کشتنش را داد.

در مورد عناوین سوره ها، بنویسه خود اختلاف نظرهایی وجود داشته است. مثلاً ابن الندیم مینویسد که خودش در کوفه دو متن مختلف از قرآن را دیده است که در آنها هم عناوین و هم ترتیب آیات با آنچه در قرآن عثمان دیده میشود تفاوت فاحش داشته اند.

تا مدتها پس از قتل عثمان اختلاف نظرها در باره قرآن رسمی اعلام شده او همچنان باقی بود. مثلاً در کوفه مصحف عبدالله بن مسعود مورد قبول بود، در بصره مصحف ابوموسی اشعری، و در شام مصحف ابی بن کعب. اگر سرانجام مصحف عثمان که قرآن رایج امروز جهان اسلام است تنها قرآن مورد مراجعه شناخته شد، برای این بود که در دوران خلافت بنی امیه که خلفای آن خود را وارث عثمان میدانستند، تمام نسخه های دیگر قرآن در هر جا که بدست میآمد ضبط و منهدم شد. آخرین نسخه ای که باقی مانده بود نسخه ای از قرآن بود که در زمان ابوبکر توسط زیدبن ثابت تهیه شده بود و با متنی که خود او در بار دوم به دستور عثمان تهیه کرد - و از همانوقت او را متهم کردند که به توصیه عثمان آیات معینی را از آن حذف کرده است - تفاوتهایی داشت. این متن را ابوبکر به حفصه دختر عمر و زوجه پیامبر داده بود و وی نیز آنرا به خواش عثمان در اختیار زید و هیئت چهار نفری همراهان او گذاشت، ولی بعد از اتمام کار، بخلاف سایر مدارک و نوشته های گردآوری شده که کلاً در آتش سوزانده شدند، این متن به احترام مقام حفصه بدو بازگردانده شد و تا هنگام درگذشت وی در سال ۴۶ هجری در اختیار او باقی ماند. اما در فردای وفات او، به دستور مروان بن حکم خلیفه اموی این متن نیز ضبط و منهدم شد، و بدین ترتیب عملاً جز متن رسمی عثمان متنی از قرآن باقی نماند.

اصل نسخه خطی قرآن که بنا به روایات سنتی، عثمان در هنگام کشته شدن خود مشغول خواندن آن بوده و قطره هایی از خون او بر آن چکیده بود، نسخه ای دانسته میشود که از دورانی کهن در مسجد خواجه احرار سمرقند نگاهداری میشده است. این نسخه در دوران انضمام ماوراءالنهر به امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم، توسط مقامات نظامی روس به سنت پترزبورگ برده شد، ولی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به امر لنین به جای خود بازگردانده شد و اکنون در اختیار انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان است. با اینهمه اصالت آن از نظر پژوهشگران مسلم نیست، زیرا چندین قرآن دیگر نیز با همین لکه های خون در مراکزی دیگر وجود دارند، بطوریکه پتروشفسکی در کتاب اسلام در ایران خود این لکه های خون را آثاری میداند که مؤمنان متظاهر به پارسایی در طول قرون جعل کرده اند و قرآن مسجد خواجه احرار تنها یکی از آنها است<sup>۱</sup>.

## تفسیرهای قرآن

با آنکه در قرآن آمده است که «تر و خشکی نیست که در قرآن نیامده باشد» (انعام، ۵۹)، با گسترش جهان اسلام در دوران بعد از محمد، خیلی زود کمبودهایی احساس شد که تنها از راه تفسیر و تأویل قرآن جبران پذیر میشد. این موضوع علم تفسیر را بوجود آورد که حاصل آن پیدایش چند صد مفسر و بیش از یکهزار تفسیر کلی و جزئی قرآن در طول قرون است.

نخستین این مفسران عبدالله بن عباس پسر عم پیامبر است که بنیانگذار علم تفسیر دانسته شده است. در همان قرون اولیه اسلامی کار تفسیر قرآن مانند دیگر رشته های مذهبی به چند دستگی گرایید که در اصطلاح خود مفسران گرایشهای تأویلی و باطنی و متصوفه نام گرفته اند و هریک از آنها مورد قبول فرقه های خاصی از قبیل

۱ - I.P. Petrushevskii در کتاب «اسلام در ایران»، ترجمه فارسی، ص ۱۲۸.

معتزله، اشعریه، اسماعیلیه، غلاة شیعه و اهل تصوف هستند. هر کدام از این گرایشها ده ها و ده ها تفسیر جداگانه از قرآن پدید آورده اند که گاهی طول و عرض آنها شگفتی میآورد، مانند تفسیر عبدالسلام قزوینی که شامل ۳۰۰ جلد است<sup>۱</sup>، و تفسیر خلف بن احمد الصغاری که بیش از ۱۰۰ جلد دارد<sup>۲</sup> و تفسیر الکبیر دوازده هزار صفحه ای ابویکر معتزلی که فهرست ابن ندیم از آن یاد کرده است. ولی معتبرترین تفسیرهای قرآن که مورد استناد و مراجعه اند، و همه آنها کار مفسران ایرانی هستند عبارتند از: تفسیر کبیر طبری (قرن سوم هجری)، التبیان فی تفسیر القرآن ثعالبی (پایان قرن چهارم هجری)، الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری (آغاز قرن ششم هجری)، مفاتیح الغیب فخر رازی (پایان قرن ششم هجری). بجز اینها میباید از تفسیرهای شیعه: تفسیر تبیان شیخ طوسی (قرن پنجم)، تفسیر ابوالفتوح رازی (آغاز قرن ششم)، مجمع البیان طبرسی (قرن ششم)، انوار التنزیل بیضاوی (قرن هفتم) نام برد. از معروفترین تفسیرهای صوفیانه کشف الاسرار میبیدی (قرن ششم) و تفسیر القرآن ابن عربی (آغاز قرن هفتم) هستند. در این تفسیر معروف که Brockelmann آنرا «بهترین تفسیر قرآن از نظرگاه صوفیه» نامیده است، قرآن غالباً از دیدگاهی بکلی غیرسنتی مورد تأویل قرار گرفته، مثلاً داستان یوسف سمبول مبارزه روح انسانی و مجرای یعقوب و یوسف نماینده جدال عقل و احساس و برادران دهگانه یوسف نمایندگان حواس پنجگانه ظاهری و حواس پنجگانه باطنی دانسته شده اند.

از تفسیرهای جالبی که میباید از آن نام برد تفسیر معروف جلالین به زبان عربی است که تدوین آن در قرن نهم هجری توسط جلال الدین محلی آغاز شد و بعد از مرگ او توسط شاگردش جلال الدین سیوطی پایان رسید و بدین جهت تفسیر جلالین نام گرفت. نحوه تفسیرهای این

۱ - از این تفسیر در «صفات الشافعیه» چاپ قاهره (ج ۳، صص ۳۲-۳۶) به تفصیل یاد شده است.

۲ - نقل از سیره الیمینین، ویراستاری A. Springer، چاپ برلین، ص ۲۷.

کتاب گاه مورد مطایبه قرار گرفته است، مثلاً آیه ۲۲۳ سوره بقره که «زنان شما کشتزار شمایند، پس بدانسان که بخواهید به کشتزار خویش درآیید» اینطور تفسیر شده است که: «یعنی اینکه به هر صورت بخواهید در آنها دخول کنید، ایستاده یا نشسته یا خوابیده، از پیش یا از پس». این تفسیر از تفسیرهایی است که بیش از آنها در دیگر در قاهره و شهرهای مختلف هندوستان بچاپ رسیده، و در ایران نیز اولین بار در سال ۱۲۷۶ هجری قمری با چاپ سنگی در تهران منتشر شده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسیحی گرایشهایی در هند و در مصر بوجود آمد که قرآن را در تطبیق با روح تمدن و دانش عصر جدید تفسیر کنند، و در این زمینه تفسیرهایی نیز نوشته و منتشر شدند که شناخته شده ترین آنها تفسیر سید امیرعلی هندوی و تفسیر المنار محمد رشید رضا است که بر پایه تفسیر شیخ محمد عبده دانشمند مصری و همکار نزدیک جمال الدین اسدآبادی نوشته شده است.

## ترجمه های قرآن

قدیمی ترین ترجمه فارسی قرآن ظاهراً ترجمه ای است که بدستور منصور بن نوح پادشاه سامانی در قرن چهارم هجری در بخارا همزمان با ترجمه فارسی تفسیر بزرگ طبری صورت گرفته است. اندکی پس از آن ترجمه فارسی دیگری از قرآن انجام گرفته که ناتمام مانده و بچاپ هم نرسیده است، ولی نسخه ای از آن در بخش کتابهای خطی دانشگاه کمبریج نگهداری میشود که ادوارد براون شرح جامعی در باره آن نوشته است. در قرون پنجم و ششم هجری ترجمه های فارسی دیگری همراه با تفسیر توسط مترجمان و مفسرانی بنام سورآبادی و ظاهر اسفراینی انجام گرفته اند.

در صد ساله گذشته چندین ترجمه فارسی تازه از قرآن صورت گرفته که از جمله آنها میتوان از ترجمان القرآن شریف جرجانی چاپ سنگی در سال ۱۳۳۰ قمری (۱۲۹۰ شمسی) و چاپ سربی در سال ۱۳۳۳، ترجمه شیخ مهدی الهی قمشه ای در سال ۱۳۲۹، و ترجمه ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶، نام برد.



نخستین ترجمه قرآن در جهان غرب، در نیمه اول قرن دوازدهم مسیحی بزبان لاتینی توسط چند تن از مترجمان مکتب معروف ترجمه تولدو (طلیطله) در اسپانیا صورت گرفت. این ترجمه که ترجمه ناقص و مغلوطی بود در سال ۱۵۴۳ در شهر بال (بازل) سویس بچاپ رسید و اهمیت خاص آن در این بود که مقدمه آن به قلم سارتین لوتر بنیانگذار آئین پروتستان نوشته شده بود. دستنوشته این ترجمه چهار سال پیش از جنگ دوم صلیبی به سن برناردوکلر قدیس معروف اهداء شد تا علیه اسلام بکار گرفته شود، و پنج قرن بهمین منظور بکار رفت. در سال ۱۶۹۱ ترجمه لاتینی کاملتری از قرآن به دستور پاپ اینوسنتوس یازدهم در پادوا همراه بسا رساله ای انتشار یافت که فاضلانہ ولی با نظری بسیار ستیزه جو علیه اسلام نوشته شده بود و این ترجمه Ludovico Maracci در همه اروپا رواج یافت. از قرن شانزدهم ببعده قرآن تقریباً به همه زبانهای مهم غربی ترجمه و منتشر شد. نخستین ترجمه ایتالیایی آن در سال ۱۵۴۷، نخستین ترجمه آلمانی در ۱۶۱۶، نخستین ترجمه فرانسوی در ۱۶۴۷، نخستین ترجمه انگلیسی در ۱۷۳۴ و نخستین ترجمه روسی در ۱۷۶۶ انجام گرفت و از آن پس در هر یک از این زبانها ترجمه های متعدد دیگری از این کتاب منتشر شده اند، باضافه ترجمه های دیگری که به زبانهای اسپانیائی، سوئدی، دانمارکی و غیره صورت گرفته اند. در سالهای آغاز قرن بیستم فهرست جامعی از ترجمه های قرآن در زبانهای اروپایی توسط A. Krimskii خاورشناس روسی (که از خود او ترجمه قدیمی ترین سوره های مکی قرآن در سال ۱۹۱۲ در مسکو بچاپ رسیده) تهیه شد که Dozy خاورشناس هلندی آنرا در کتاب «نگرشی در تاریخ اسلام» خود در شش صفحه کامل نقل کرده است. در بخش آسیایی خود روسیه، ترجمه بسیار خوبی از قرآن در سال ۱۸۷۹ در شهر قازان منتشر شد که در سال ۱۹۰۷ همراه با متن عربی قرآن دوباره در آن شهر بچاپ رسید. تازه ترین ترجمه قرآن به زبان روسی در سالهای حکومت کمونیستی (۱۹۶۳) توسط یو. کراچکوفسکی انجام گرفت که دوازده سال پس از درگذشت مترجم آن در مسکو منتشر شد. ترجمه

عبری قرآن نیز در سال ۱۸۵۷ در لایپتسیگ و ترجمه دیگری از آن در ۱۹۳۲ در اورشلیم چاپ شده است.

بموازات چاپ ترجمه های مختلف قرآن به زبانهای اروپایی، متن عربی این کتاب نیز در طول چند قرن اخیر به کرات در اروپا بچاپ رسیده است. نخستین قرآن عربی که چاپ شد قرآنی بود که در سال ۱۵۰۳ (۹۰۹ هجری) در شهر ونیز منتشر شد، ولی تمام نسخه های چاپی آن به امر یولیوس دوم پاپ وقت نابود شد، بطوریکه اکنون هیچ اثری از آن باقی نمانده است. چاپ های دیگری در سال ۱۶۹۴ در هامبورگ و در ۱۶۹۸ در پادوای ایتالیا و در ۱۷۸۷ در سنت پترزبورگ به امر ملکه کاترین دوم و در قازان در ۱۸۰۳ صورت گرفت. نخستین چسپ قرآن در ایران بصورت چاپ سنگی ظاهرا چاپسی است که در ۱۲۴۴ قمری (۱۲۰۲ شمسی) در تهران و چهار سال بعد از آن در تبریز انجام گرفته است.

## سوره های قرآن

قرآن، در متن رسمی کنونی خود، شامل ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه (و ۷۷,۴۳۹ کلمه) است. از این شمار، ۴۶۱۷ آیه مربوط به سوره های ۸۶ گانه مکی قرآن و ۱۶۱۳ آیه مربوط به سوره های ۲۸ گانه مدنی آنند.

ترتیب تقدم و تأخر سوره ها در قرآن نه مربوط به زمان نزول آنها است و نه به درجه اهمیت آنها، بلکه تنها براساس بلندی و کوتاهی سوره ها است. بجز سوره اول که موضعی استثنایی دارد، این قاعده در همه دیگر سوره ها برقرار است. سوره بقره با ۲۸۵ آیه سوره دوم، آل عمران با ۲۰۰ آیه سوره سوم، نساء با ۱۷۶ آیه سوره چهارم و... در عوض سوره های صدم به بعد هیچکدام ۱۱ تا ۳ آیه بیشتر ندارند. بدین ترتیب بیشتر سوره های مکی که از نظر زمانی مقدم هستند، در بخش آخر و سوره های مدنی که دیرتر ابلاغ شده اند در بخش اول قرآن جای دارند.

با توجه به این برداشت که هرچه مربوط به قرآن است از آسمان سرچشمه گرفته است، در قرون اولیه اسلامی میان علمای دین اختلاف

نظر بسیار در این باره وجود داشت که این ترتیب تقدم و تأخر سوره هسا زاده وحی الهی است یا فقط مربوط به رأی و اجتهاد صحابه است؟ نظر امام مالک پیشوای فرقه مالکی در این باره که این طبقه بندی مربوط به رأی صحابه است در تثبیت این فرضیه نقش مؤثری داشت. در نتیجه مقرر شد مکی بودن یا مدنی بودن هر سوره در آغاز آن قید شود تا خواننده قرآن در این مورد دچار اشتباه نشود. ولی این تقسیم بندی سه مکی یا مدنی جز از این دیدگاه مورد توجه مفسران مختلف قرآن قرار نگرفت، در صورتیکه در ارتباط با تحولات آینده جهان اسلام و ایسران، چنانکه در صفحات آینده خواهید خواند، اهمیتی سرنوشت ساز داشت.

عناوین سوره ها یا بر اساس محتوای کلی آنها و یا در ارتباط با یکی از موضوعاتی که در طول آیات سوره بدان ها اشاره شده تعیین شده اند، مثلاً عنوان انفال از آن جهت که تقریباً همه سوره به غنائم جنگی اختصاص دارد، و سوره های یوسف و مریم و ابراهیم و یونس و نوح از نظر ارتباطشان با این افراد، ولی بیشتر نامگذاریها در ارتباط با نوع دوم یعنی به موضوع خاصی از میان مطالب مختلف سوره ها صورت گرفته اند، از قبیل بقره (مساده گاو)، نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، کهف (غار)، عنکبوت، لقمان، حج، دخان (دود)، نجم (ستاره)، حدید (آهن)، جمعه، طلاق، قلم، جن، تین (انجیر)، فیل، قریش، لهب. البته در این مورد نیز جمعی از علمای اسلامی برای اینکه هرگونه دخالت بشری را در امر قرآن منکر شده باشند این اسما را «توقیفی» یعنی ناشی از وحی الهی دانسته اند.

به نوشته ای.پ. پتروشفسکی، یکی از علمای روحانی مسیحی بنام یوحنای دمشقی در قرن دهم هجری در اشاره به عناوین بعضی از سوره های قرآن از سوره ای بنام ابل (شتر) نام برده که اکنون در قرآن وجود ندارد، در صورتیکه با توجه به وجود سوره هایی به اسامی گاو و فیل و زنبور و مورچه و عنکبوت وجود سوره ای بنام شتر آنهم در عربستان بسیار منطقی بنظر میآید. به توضیح پتروشفسکی شاید این عنوان اصلی یکی از سوره های کنونی اعراف یا شعرا بوده است.<sup>۱</sup>

۱ - I.P. Petrushevskii در کتاب «اسلام در ایران»، ترجمه فارسی، ص ۱۱۹.

در سوره های دوران مکی، اسم «الله» جز به ندرت برده نمیشود و از خداوند عمدتاً به صورت «رب» یاد میشود که عنوان سامی «خدا» است: (اعراف: ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۵؛ هود: ۴۵ و ۴۷؛ یوسف: ۳۳ و ۱۰۱؛ ابراهیم: ۳۵، ۳۶، ۴۰؛ حجر: ۳۶، ۳۹؛ اسرا: ۲۴؛ مریم: ۴، ۶، ۸، ۱۰؛ طه: ۲۵، ۸۴، ۱۱۴، ۱۲۵؛ انبیاء: ۸۹، ۱۱۲؛ فرقان: ۳۰؛ شعرا: ۱۲، ۸۳، ۱۱۷، ۱۶۹؛ نمل: ۱۹، ۴۴؛ قصص: ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۳۳؛ عنکبوت: ۳۰؛ صافات: ۱۰۰؛ ص: ۳۵، ۷۹؛ زخرف: ۸۸؛ نوح: ۵، ۲۱، ۲۶). در سوره مؤمنون در ۹ جای پیاسی: ۲۶، ۲۹، ۳۹، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۱۸ این کلمه رب و رسی بصورت خطاب تکرار میشود بی آنکه نامی از الله برده شود.

در همین سوره ها، از پیامبران تورات بسیار به ندرت یاد میشود، و فقط در مدینه است که هم پای الله و هم پای انبیای یهود به میان میآید. در قرآن بر رویهم از ۲۸ نبی و پیامبر به عنوان برگزیدگان خداوند برای هدایت مردمان به راه راست نام برده شده که ۲۳ تن از آنها از شخصیت های تورات و انجیل و سه تن (هرود و صالح و شعیب) از شخصیت های محلی عربی هستند. نام «ذوالقرنین» از افسانه های یونانی و سریانی مربوط به اسکندر آموخته است. در ضمن از پیامبری بنام ادریس نام برده شده که طبق احادیث اسلامی سنی بخش از صحف بر او نازل شده است، در صورتیکه در خود تورات و انجیل از چنین پیامبری نشانی نیست، بهمین جهت عده ای از پژوهشگران او را همان خنوخ عهد عتیق دانسته اند. در یکجای قرآن نیز از «عزیر» یاد شده است که طبق آیه ای (توبه، ۳۰) یهودیان او را پسر خدا شمرده اند در حالیکه از چنین شخصی نیز در هیچ کتاب مذهبی یهود سابقه ای دیده نمیشود.

در قرآن جمعاً ۲۷۰۰ بار از الله نام برده میشود که از این رقم اندکی بیش از ۷۰۰ مورد آن مربوط به سوره های مکی و مابقی مربوط به سوره های مدنی قرآن است.

## بررسی های پژوهشگران غربی در باره قرآن

سلسله طولانی بررسی های مربوط به زمان بندی متون قرآنی را Gustav Weil محقق آلمانی در نیمه اول قرن نوزدهم با انتشار نخستین اثر تحقیقی در این زمینه بنام «نگرش تاریخی - انتقادی قرآن» آغاز کرد، و محقق دیگر آلمانی A. Sprenger آنرا با ارزیابی های مبسوط دیگر در کتاب سه جلدی «زندگی و آیین محمد» که در سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ منتشر شد ادامه داد، ولی اساسی ترین کار را در این باره ایران شناس و اسلام شناس نسامی آلمانی Theodor Nöldeke (۱۸۳۶-۱۹۳۰) در طول شصت سال از ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۹ با تدوین و انتشار چاپهای متوالی و هر بار تجدیدنظر شده تاریخ قرآن Geschichte des Qorans انجام داد که تا به امروز کاملترین سند پژوهشی در این زمینه در جهان خاورشناسی بشمار میرود. در این بررسیها نولدکه کوشیده است تا زمان بندی سوره های ۱۱۴ گانه قرآن را براساس ضوابطی مشخص از قبیل سبک انشای آنها و بنمایه های مذهبی و فکری آنها و تطبیق آنها با وقایع زمانی دوران زندگی پیامبر مورد بازسازی قرار دهد، زیرا که نه تنها نحوه تقدم و تأخر کنونی سوره ها نماینده ترتیب واقعی نزول آنها نیست، بلکه حتی آیاتی هم که در یک سوره گرد آمده اند الزاماً مربوط به همان سوره نیستند و در بسیار موارد جابجا شده اند. این بررسی ممتد، با توجه به دوگانگی کاملی میان مضامین آیاتی که در مکه نازل شده بود و آیات دیگری که بعداً در مدینه صدور یافت به تقسیم بندی اصولی میان سوره های مکی و سوره های مدنی و ویژگی های خاص هر کدام منجر شد که در حال حاضر توسط همه محققان مورد پذیرش قرار گرفته و از واقعیتهای کلیدی هرگونه تتبع و تحقیق در باره قرآن شناخته شده است.

در متن رسمی قرآن تدوین شده در زمان عثمان، تنها مکی بودن یا مدنی بودن سوره ها در آغاز هر سوره خاطر نشان شده، ولی

توجه دیگری در این باره بکار نرفته است. حتی در این مورد نیز، چنانکه نولدکه و بسیاری از دیگر محققان اروپایی نشان داده اند آیاتی از سوره های مکی در سوره های مدنی و بالعکس جای داده شده اند. به عنوان نمونه میتوان از آیه ای از سوره نور نام برد که در آن گفته شده است: «باکی نیست که در وقتیکه در خانه های خودتان یا پدر یا مادر یا برادران یا خواهران یا عموها و عمه های خودتان یا خانه هایی که کلید آنها را در اختیار دارید یا نزد دوستانتان غذا میخورید کوری یا چلاقی یا بیماری همسفره شما شوند» (نور، ۶۱)، در صورتیکه به تذکر گلدتسیهر در مقدمه کتاب «درسهایی در باره اسلام»، نلدکه روشن کرده است که این توصیه که در مورد آداب معاشرت و غذا خوردن غیرمنطقی بنظر میرسد، در اصل مربوط به آیه های یازدهم تا شانزدهم سوره فتح بوده و در ارتباط با کسانی گفته شده است که چون به وظیفه خود در مورد شرکت در جنگ با مشرکین عمل نمیکنند از جانب الهی کیفر خواهند دید، ولی تذکر داده شده است که بر کوران یا چلاقان یا بیماران از این بابت حرجی نیست.

براساس بررسیهای نلدکه، در جریان گردآوری و پاکنویس متن کامل قرآن در زمان عثمان نه تنها جابجایی ها بلکه احتمالاً تغییراتی نیز در برخی متون روی داده که یک فصل تمام از کتاب «تاریخ قرآن» او (صفحات ۷۰ تا ۱۷۴ چاپ اول و صفحات ۸۷-۲۳۴ چاپ نهایی سالهای ۱۹۰۲-۱۹۱۹) بدانها اختصاص یافته است.

همزمان با نلدکه، پژوهشگران دیگری نیز در آلمان و در دیگر کشورهای اروپایی (انگلستان، فرانسه، ایتالیا، روسیه) به بررسی هایی دیگر در همین راستا پرداخته اند که از جمله آنها میتوان از «شناسایی قرآن» H. Grimme در آلمان، «بررسیهای تازه ای در ترکیب و تفسیر قرآن» H. Hirschfeld در انگلستان، «محمد و قرآن» C. R. Saint-Hilaire در فرانسه، «درسهایی در باره قرآن» A. E. Krimsky در روسیه و از شرح مربوط به قرآن توسط Fr. Buhl محقق دانمارکی در دائرة المعارف اسلامی نام برد.

با آنکه در طول قرون اسلامی کشف آیات ها و